

برنامه درسی پاسخ گو به تنوع فرهنگی: تحلیل چالش ها و راهکارها

مینا اشرفیان

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه غیر دولتی- غیر انتفاعی آفاق، ارومیه، ایران.

ashrafian333@gmail.com

مریم بیک زاده وقاصلو*

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه غیر دولتی- غیر انتفاعی آفاق، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول):

Maryambeygi66@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل برنامه درسی پاسخ گو به تنوع فرهنگی و شناسایی چالش ها و راهکارهای اجرایی آن در نظام آموزشی ایران انجام شد. تنوع فرهنگی در مدارس ایران، شامل تفاوت های زبانی، مذهبی، قومی، سبک های یادگیری و ارزش های اجتماعی، نیازمند برنامه های درسی چندفرهنگی است که هم هویت فرهنگی دانش آموزان را تقویت کند و هم مهارت های تعامل سازنده میان فرهنگی را پرورش دهد. مرور نظام مند این پژوهش، بر اساس راهنمای PRISMA و با بررسی مطالعات منتشر شده بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ در پایگاه های داخلی انجام شد. تحلیل مضمون محور داده ها چهار کد گزینشی اصلی را آشکار ساخت: (۱) هویت سازی چندلایه و انسجام ملی آگاهانه، (۲) عدالت فرهنگی و پرورش شایستگی های شهروندی، (۳) بازطراحی برنامه درسی بر مبنای کثرت گرایی فرهنگی، و (۴) حکمرانی آموزشی و ظرفیت سازی اجرایی. یافته ها نشان دادند که برنامه های چندفرهنگی در ایران با ایجاد تعادل میان احترام به تفاوت ها و انسجام ملی، ضمن حفظ هویت بومی، ملی و بین المللی، مهارت های همزیستی مسالمت آمیز و تفکر انتقادی دانش آموزان را ارتقا می دهند. در عین حال، محدودیت هایی از جمله کمبود منابع، مهارت ناکافی معلمان و تمرکز بر مدارس شهری، مانع تحقق کامل اهداف برنامه ها است. پژوهش حاضر با ارائه چارچوبی تحلیلی- کاربردی، راهنمایی برای بازطراحی محتوای روش های تدریس، فعالیت های یادگیری و سیاست گذاری آموزشی فراهم می کند. یافته ها حاکی از ضرورت توانمندسازی معلمان، مشارکت جامعه محلی، تمرکززدایی و توسعه ابزارهای آموزشی انعطاف پذیر است تا اجرای برنامه های چندفرهنگی مؤثر و پایدار شود. این مطالعه ضمن کاهش شکاف میان نظریه و عمل، مسیر پژوهش های تجربی و سیاست گذاری آگاهانه در آموزش چندفرهنگی ایران را هموار می سازد.

کلمات کلیدی: برنامه درسی چندفرهنگی، تنوع فرهنگی، عدالت آموزشی، هویت چندلایه، حکمرانی آموزشی

Culturally Responsive Curriculum: Analysis of Challenges and Solutions

Mina Ashrafi

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Afagh Non-Governmental, Non-Profit University, Urmia, Iran.

ashrafi333@gmail.com

Maryam Baigzadeh Vaghaslou*

M.A. Student in Curriculum Planning, Department of Educational Sciences, Afagh Non-Governmental, Non-Profit University, Urmia, Iran. (Corresponding Author):

Maryambeygi66@gmail.com

Abstract

This study aimed to analyze a culturally responsive curriculum and identify its challenges and practical solutions within the Iranian educational system. Cultural diversity in Iranian schools—including linguistic, religious, ethnic differences, learning styles, and social values—necessitates multicultural curricula that both strengthen students' cultural identity and develop their intercultural competence. A systematic review, based on PRISMA guidelines, was conducted on studies published between 2012 and 2025 in domestic databases. The thematic analysis identified four main selective codes: (1) multilayered identity formation and conscious national cohesion, (2) cultural justice and the development of civic competencies, (3) curriculum redesign based on cultural pluralism, and (4) educational governance and capacity building. Findings indicate that multicultural curricula in Iran balance respect for diversity with national cohesion, enhancing students' local, national, and global identity while fostering peaceful coexistence and critical thinking. However, limitations such as resource scarcity, insufficient teacher competencies, and focus on urban schools hinder the full realization of curriculum goals. This study provides an analytical–practical framework to guide curriculum redesign, teaching methods, learning activities, and educational policy. Results underscore the need for teacher empowerment, local community participation, decentralization, and the development of flexible educational tools to ensure effective and sustainable implementation of multicultural curricula. By bridging the gap between theory and practice, this research paves the way for empirical studies and informed policymaking in multicultural education in Iran.

Keywords: Multicultural Curriculum, Cultural Diversity, Educational Equity, Multilayered Identity, Educational Governance.

مقدمه

در نظام آموزشی امروز، جهان با تنوع فرهنگی گسترده ای مواجه است که این تنوع تنها محدود به تفاوت های زبانی، مذهبی یا قومی نیست، بلکه شامل تفاوت های سبک های یادگیری، باورها، نگرش ها و ارزش های اجتماعی نیز می شود. اهمیت این تنوع فرهنگی به ویژه در نظام های آموزشی ایران، که ترکیبی از فرهنگ های متنوع قومی، مذهبی و زبانی را در بر می گیرد، بیش از پیش مشهود است. برنامه ریزی درسی سنتی و یکپارچه که به گونه ای طراحی شده تا همه دانش آموزان را به شیوه ای یکنواخت تحت آموزش قرار دهد، پاسخگوی نیازهای واقعی دانش آموزان با پیشینه های فرهنگی گوناگون نیست (شبخیز مطلق بناب، حجتی و اسدی دانشوریان، ۱۴۰۲). این موضوع نشان می دهد که وجود برنامه های درسی پاسخگو به تنوع فرهنگی نه تنها یک ضرورت آموزشی، بلکه یک نیاز اجتماعی برای حفظ انسجام و همزیستی مسالمت آمیز در جامعه است.

پژوهش های اخیر نشان می دهد که برنامه های درسی چندفرهنگی می توانند به عنوان ابزار کلیدی برای تقویت هویت فرهنگی دانش آموزان، پرورش مهارت های بین فرهنگی و افزایش تاب آوری اجتماعی عمل کنند (کیهان و کیان، ۱۴۰۲). این برنامه ها با ایجاد فرصت های یادگیری مشارکتی و فراهم آوردن محیطی برای تعامل فرهنگی، می توانند دانش آموزان را برای زندگی در یک جامعه چندفرهنگی آماده سازند و به آن ها مهارت های لازم برای تعامل سازنده با تفاوت ها را بیاموزند. به رغم اهمیت این موضوع، پژوهش های داخلی محدود و اغلب کیفی بوده و کمبود داده های کمی و تجربی، به ویژه در مدارس روستایی و چندپایه، یکی از شکاف های مهم در ادبیات آموزش چندفرهنگی ایران به شمار می آید (زاده بنهنگی و سمیعی، ۱۴۰۴).

یکی دیگر از چالش های شناسایی شده در ادبیات پژوهشی، محدودیت در تدوین مدل ها و الگوهای عملیاتی برنامه های درسی چندفرهنگی است. در حالی که پژوهش های کیفی مانند پژوهش عباسی (۱۴۰۴) به شناسایی ویژگی های برنامه درسی چندفرهنگی پرداخته اند، این مطالعات اغلب به سطح نظری باقی مانده و کاربرد عملی و نحوه اجرای آن ها در کلاس های واقعی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. از سوی دیگر، طراحی الگوهایی مانند الگوی زیست بومی برونفن برنر (کیهان و کیان، ۱۴۰۲) نشان می دهد که سطوح مختلف زیست بومی (ریزسیستم، میان سیستم، برون سیستم و کلان سیستم) تأثیرات متفاوتی بر موفقیت برنامه های چندفرهنگی دارند، اما این الگوها نیز در مدارس ایران به طور گسترده اجرا نشده اند و بررسی اثربخشی آن ها هنوز در سطح علمی و عملی محدود است. همچنین، مطالعاتی مانند پژوهش ارشدی و همکاران (۱۴۰۴) نشان می دهد که سیاست های برنامه درسی چندفرهنگی می توانند نقش مهمی در تقویت عزت نفس و تفکر انتقادی دانش آموزان داشته باشند، اما در بسیاری از مدارس، به ویژه در مناطق با منابع محدود، این سیاست ها به صورت رسمی و سیستماتیک اعمال نمی شوند. این امر نشان دهنده وجود شکاف آشکار بین تئوری و عمل در حوزه آموزش چندفرهنگی است. علاوه بر این، چالش هایی مانند کمبود منابع آموزشی، عدم تطابق محتوا با نیازهای واقعی دانش آموزان و مهارت های ناکافی معلمان در برخورد با تنوع فرهنگی، از جمله موانع کلیدی برای تحقق برنامه های درسی چندفرهنگی در مدارس ایران هستند (مظاهری فروشانی، ۱۴۰۳؛ زاده بنهنگی و سمیعی، ۱۴۰۴).

ضرورت پژوهش حاضر از این منظر است که به بررسی برنامه های درسی پاسخگو به تنوع فرهنگی، با توجه به شرایط واقعی مدارس ایران، پرداخته و راهکارهای عملی برای بهبود اثربخشی این برنامه ها ارائه دهد. با توجه به اهمیت عدالت آموزشی و پرورش شهروندان آگاه و مشارکتجو، طراحی برنامه های درسی چندفرهنگی نه تنها به ارتقای کیفیت یادگیری کمک می کند، بلکه موجب تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش تبعیض و ایجاد فرصت های برابر آموزشی برای همه دانش آموزان می شود (مجیدی، ۱۴۰۴؛ عبداللهی نازلو و همکاران، ۱۴۰۳).

یکی از محورهای کلیدی این پژوهش، تمرکز بر مدارس روستایی و چندپایه است که به دلیل ویژگی های خاص خود، شامل تنوع سنی، تحصیلی و فرهنگی دانش آموزان، با چالش های ویژه ای مواجه هستند (زاده بنهنگی و سمیعی، ۱۴۰۴). آموزش چندفرهنگی در این مدارس مستلزم طراحی برنامه هایی است که هم با محتوای بومی و فرهنگی محلی هماهنگ باشد و هم دانش آموزان را با فرهنگ ها و اقوام دیگر جامعه آشنا کند. این مسئله از یک سو به حفظ هویت فرهنگی محلی کمک می کند و از سوی دیگر، مهارت های همزیستی مسالمت آمیز و شناخت میان فرهنگی را در دانش آموزان تقویت می کند (حقی فرهنگی، ۱۴۰۴). مطالعات داخلی نشان داده اند که موفقیت برنامه های چندفرهنگی به عواملی چون آمادگی معلمان، مشارکت جامعه محلی و طراحی انعطاف پذیر محتوای آموزشی وابسته است (آریاوند، ۱۴۰۳؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵). معلمان نه تنها نقش کلیدی در انتقال ارزش های فرهنگی و پرورش هویت چندفرهنگی دارند، بلکه باید قادر باشند به صورت خلاقانه و منعطف با چالش های ناشی از تنوع فرهنگی مقابله کنند. این امر، شکاف دیگری را در ادبیات پژوهشی نشان می دهد؛ به ویژه کمبود مطالعات تجربی که مهارت ها و توانمندی های معلمان در اجرای برنامه های چندفرهنگی را ارزیابی کنند، احساس می شود.

با توجه به این شکاف ها، پژوهش حاضر می تواند به شناسایی راهکارهای عملیاتی برای طراحی و اجرای برنامه های درسی چندفرهنگی کمک کند و به عنوان مرجعی کاربردی برای مدیران مدارس، سیاست گذاران آموزشی و طراحان برنامه درسی عمل نماید. از نظر نظری نیز، این پژوهش می تواند مدل ها و چارچوب های موجود را با داده های واقعی مدارس ایرانی تطبیق دهد و راهنمایی برای بسط نظریه های آموزش چندفرهنگی در زمینه های عملی ارائه دهد (صائبی و همکاران، ۱۴۰۳؛ دورفرد و همکاران، ۱۴۰۰).

افزون بر این، با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناوری در جوامع امروز، توجه به آموزش چندفرهنگی در برنامه های درسی می تواند نقش مهمی در توسعه مهارت های شناختی، اجتماعی و فرهنگی دانش آموزان داشته باشد (غفوری، سپهرنیا و بذرافشان، ۱۴۰۲). برنامه های چندفرهنگی با تأکید بر ارزش های انسانی، عدالت آموزشی و تعامل میان فرهنگ ها، زمینه ساز توسعه شخصیتی و اجتماعی فراگیران شده و به آن ها امکان می دهد در محیط های پیچیده و متنوع اجتماعی، تصمیمات آگاهانه و مؤثر اتخاذ کنند. همچنین، این رویکرد می تواند به کاهش تعصبات فرهنگی، افزایش همدلی و تقویت روابط بین فردی میان دانش آموزان کمک کند (مظاهری فروشانی، ۱۴۰۳).

در نهایت، ضرورت اجرای این پژوهش از آن جهت است که با شناسایی ویژگی ها، چالش ها و راهکارهای عملی برنامه های درسی چندفرهنگی، امکان طراحی برنامه هایی فراهم می شود که هم پاسخگوی نیازهای دانش آموزان در زمینه هویت فرهنگی و توسعه مهارت های اجتماعی باشد و هم به ایجاد عدالت و برابری در آموزش کمک کند. این پژوهش با تمرکز بر مدارس ایران، به ویژه مدارس روستایی و چندپایه، می تواند شکاف های موجود در ادبیات پژوهشی داخلی را کاهش دهد و چارچوبی عملی و علمی برای آموزش چندفرهنگی ارائه نماید که قابلیت استفاده توسط سیاست گذاران و معلمان را نیز دارا باشد.

با توجه به اهمیت موضوع و کمبود داده های تجربی در این زمینه، پژوهش حاضر می تواند نقش بسزایی در تقویت دانش علمی و عملی درباره برنامه های درسی پاسخگو به تنوع فرهنگی داشته باشد و به توسعه نظریه و عمل در حوزه آموزش چندفرهنگی کمک کند. این پژوهش با تلفیق داده های تجربی و تحلیل اسنادی، نه تنها به شناسایی شکاف های موجود می پردازد، بلکه کاربردهای عملی برای مدارس و سیاست گذاران ارائه می دهد و زمینه ای برای پژوهش های آتی فراهم می کند.

روش شناسی

در این پژوهش برای بررسی برنامه درسی پاسخگو به تنوع فرهنگی از روش مروری نظاممند استفاده شده است که فرآیند آن بر اساس راهنمای استاندارد PRISMA تعریف و اجرا گردیده است. استفاده از این روش به پژوهشگر این امکان را می دهد تا با گام هایی منظم و شفاف، همه مطالعات مرتبط با موضوع را جمع آوری، ارزیابی و تحلیل نماید. در این رویکرد، تلاش شده است تا کیفیت علمی مطالعات شناسایی شده تضمین شود و نتایج استخراج شده قابل بازتولید و قابل اتکا باشند.

در گام نخست، جست و جوی نظاممند در پایگاه های اطلاعاتی داخلی ایران انجام شد تا همه مطالعات منتشر شده درباره برنامه درسی چندفرهنگی در بازه زمانی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ شناسایی شود. پایگاه های مورد بررسی شامل پایگاه مقالات همایش ها و کنفرانس ها (Civlica)، پایگاه نشریات علمی داخلی (Magiran)، پایگاه اطلاعات علمی دانشگاهی (SID) و سامانه اسناد علمی ایران (IranDoc) بودند. برای یافتن مطالعات مرتبط، از ترکیب کلیدواژه های فارسی مانند «برنامه درسی چندفرهنگی»، «تنوع فرهنگی»، «آموزش چندفرهنگی»، «چالش های برنامه ریزی درسی چندفرهنگی» و ترکیبات مشابه آن ها استفاده شد. این کلیدواژه ها به صورت جداگانه و در ترکیب با یکدیگر در همه پایگاه ها به کار گرفته شد تا بیشترین پوشش ممکن برای دسترسی به منابع مرتبط فراهم آید.

پس از انجام جست و جوی اولیه، تعداد زیادی عنوان و چکیده شناسایی شد که در مرحله نخست بر اساس عنوان و چکیده غربال شدند تا موارد نامرتبط با موضوع پژوهش حذف شوند. در این مرحله، تمرکز بر مطابقت محتوای عنوان و چکیده با موضوع مورد نظر بود و مطالعاتی که ارتباط مستقیم با برنامه درسی چندفرهنگی نداشتند یا در بازه زمانی تعریف شده قرار نداشتند، کنار گذاشته شدند. سپس متن کامل مطالعاتی که در مرحله غربال اولیه باقی مانده بودند تهیه و مورد بررسی دقیق قرار گرفت تا مطابق با معیارهای ورود مطالعات باشند. تعیین معیارهای ورود و خروج به گونه ای انجام شد که اطمینان حاصل شود تنها دسته ای از مطالعات که به طور مستقیم به موضوع برنامه درسی چندفرهنگی می پردازند وارد تحلیل نهایی شوند.

معیارهای ورود برای انتخاب مطالعات شامل مواردی است که پژوهش به بررسی مولفه ها، چالش ها، راهکارها یا ویژگی های برنامه درسی چندفرهنگی پرداخته باشد، در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۴ منتشر شده باشد، متن کامل آن در دسترس باشد و در منابع علمی معتبر منتشر شده باشد. بر اساس این معیارها، پژوهش هایی که فقط به توصیف کلی برنامه درسی می پرداختند یا فاقد بخش تحلیل در متن بودند، حذف شدند تا از گنجاندن مطالعات کم کیفیت یا غیرمرتبط جلوگیری شود. همچنین یادداشت های غیرعلمی، گزارش های خبری یا مطالبی که فاقد ارزیابی علمی شده بودند در این مرحله کنار گذاشته شدند.

پس از انتخاب مطالعات واجد شرایط، داده ها از متون کامل استخراج شدند. برای این منظور یک فرم استخراج اطلاعات تهیه شد که شامل بخش های مشخصی همچون نام پژوهش، سال انتشار، نوع پژوهش، روش اجرا، محورهای اصلی پژوهش، یافته های کلیدی و نحوه ارتباط آن مطالعه با موضوع برنامه درسی چندفرهنگی بود. این فرم به پژوهشگر کمک کرد تا داده های لازم را از همه مطالعات به روشی یکسان و منظم جمع آوری کند و امکان مقایسه و تحلیل میان مطالعات مختلف فراهم شود.

برای تحلیل داده های استخراج شده، از تحلیل مضمون محور استفاده شد تا موضوعات، چالش ها و راهکارهای اصلی شناسایی و طبقه بندی شوند. در این فرآیند، پژوهشگر مفاهیم و ایده های کلیدی را از متن های پژوهش استخراج کرده و سپس آن ها را در قالب مضمون هایی مفهومی سازمان دهی کرد. تحلیل مضمون محور به پژوهشگر این امکان را می دهد تا ساختارهای پنهان در متن های بررسی شده را آشکار کند و الگوهای معنایی مشترک را در سراسر متون مختلف بیابد. همچنین تحلیل داده ها شامل مقایسه نتایج

به دست آمده از مطالعات مختلف نیز بود تا الگوهای مشترک، تفاوت های دیدگاهی و راهکارهای عملی پیشنهادی برای توسعه برنامه درسی چندفرهنگی در نظام آموزش و پرورش ایران شناسایی شود. این مقایسه به تفکیک مواردی انجام گرفت که در مطالعات مختلف به عنوان چالش یا راهکار مطرح شده بودند تا در یک ساختار تحلیلی کلی ارائه شود.

برای افزایش اعتبار و پایایی مرور نظام مند، چند اقدام صورت گرفت. اولاً، جست و جوی منابع در چند پایگاه مختلف انجام شد تا ریسک حذف ناخواسته منابع مهم کاهش یابد. دوماً، معیارهای ورود و خروج به صراحت تعریف شد تا انتخاب مطالعات طبق اصول علمی و قابل بازتولید باشد. سوماً، تحلیل داده ها به صورت مکرر بازبینی شد تا از یکنواختی و اعتبار مضامین استخراج شده اطمینان حاصل شود و از هرگونه تعمیم غیرمستند جلوگیری گردد. این اقدامات موجب شد که نتایج حاصل از مرور نظام مند دارای شفافیت، دقت و قابلیت تکرار باشند.

نتایج این روش شناسی شامل دسته بندی و تحلیل مطالعات مرتبط با برنامه درسی چندفرهنگی، شناسایی مؤلفه های کلیدی این برنامه ها، بررسی چالش های اجرایی، و استخراج راهکارهای پیشنهادی برای بهبود کیفیت آموزش چندفرهنگی در مدارس ایران است. این نتایج به پژوهشگر کمک می کند تا چارچوبی مفهومی و کاربردی برای برنامه درسی پاسخگو به تنوع فرهنگی طراحی نماید و زمینه های پژوهشی آینده در این حوزه را نیز برجسته کند.

به طور کلی، استفاده از روش مروری نظام مند بر اساس راهنمای PRISMA سبب شده است که این پژوهش از حیث علمی، جامع و قابل اتکا باشد. این روش نه تنها اجازه می دهد که پژوهشگر به همه منابع مرتبط دسترسی یابد، بلکه با طبقه بندی و تحلیل دقیق داده ها، تصویری روشن از راهکارها و چالش های برنامه درسی چندفرهنگی در نظام آموزشی ایران ارائه نماید. همچنین، نتایج حاصل از این مرور می تواند مورد استفاده سیاست گذاران آموزشی، مدیران مدارس، معلمان و پژوهشگران آینده قرار گیرد، تا در طراحی و اجرای برنامه های درسی متناسب با تنوع فرهنگی گام های عملی و مؤثری برداشته شود.

یافته ها

در این قسمت از پژوهش، به پژوهش هایی که به عنوان نمونه برای تحلیل انتخاب شده اند اشاره می شود.

جدول ۱: مرور پژوهش های انجام شده

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	نتیجه پژوهش
۱	حققی فرهنگی، سیده اعظم	۱۴۰۴	روایت تحقق برنامه ی درسی چند فرهنگی در شهر اصفهان	تاکید بر حذف سکوت در برابر اقوام، آموزش معلمان در زمینه چندفرهنگی، تقویت عناصر مشترک دینی و فرهنگی و حرکت به سمت تمرکززدایی؛ آموزش چندفرهنگی با فرهنگ بومی هر منطقه باعث ایجاد پایه محکم ملی گرایی همراه با شناخت می شود.

**ICPSE**

2026

هجدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی**گرجستان - اسفند ۱۴۰۴ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان****17 March 2026 - TBILISI GEORGIA****<http://icpse.ir>
info@icpse.ir**

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	نتیجه پژوهش
۲	کیهان، جواد و کیان، دریا	۱۴۰۲	طراحی الگوی برنامه درسی چند فرهنگی دوره متوسطه مبتنی بر نظریه بوم شناختی برونفن برنر	الگوی برنامه درسی چندفرهنگی بر اساس چهار سطح زیست بومی طراحی شد؛ احترام به تفاوت های فرهنگی، پرورش هویت چندفرهنگی و مهارت های همزیستی مسالمت آمیز، تعامل خانواده و مدرسه و حمایت دولت و رسانه ها، رویکردی جامع برای آموزش چندفرهنگی ارائه می دهد.
۳	عباسی، حجت اله	۱۴۰۴	ویژگی های برنامه درسی چند فرهنگی در دوره متوسطه	برنامه درسی چندفرهنگی بر احترام به تفاوت ها، پرورش هویت چندفرهنگی، مهارت های همزیستی مسالمت آمیز و تعامل خانواده و مدرسه تاکید دارد و الگو شامل ۹ عنصر کلیدی برنامه درسی است که توسعه تعاملات بین فرهنگی و پذیرش تنوع را تقویت می کند.
۴	ارشدی، نگار و همکاران	۱۴۰۴	تحلیل آماری نقش سیاست های برنامه درسی چند فرهنگی در رشد عزت نفس و تفکر انتقادی فراگیران دوره دوم ابتدایی	سیاست های برنامه درسی چندفرهنگی به طور معنادار عزت نفس و مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان را افزایش می دهد و اجرای چنین سیاست هایی اهمیت دارد.
۵	مجیدی، بهناز	۱۴۰۴	بررسی اهداف برنامه درسی چند فرهنگی	اهداف برنامه درسی چندفرهنگی شامل تقویت هویت فرهنگی، مقابله با تبعیض، توسعه مهارت های بین فرهنگی و ترویج مدارای اجتماعی است؛ موفقیت مستلزم آمادگی معلمان، مشارکت جامعه و طراحی منعطف محتوای آموزشی است.
۶	زاده بنهنگی، محمد علی و سمیعی، علی	۱۴۰۴	بررسی چالش های برنامه درسی در مدارس روستایی چند پایه و چند فرهنگی	مدارس روستایی چندپایه با تنوع سنی و تحصیلی، کمبود منابع و مشکلات اجتماعی مواجه هستند؛ برنامه های درسی متناسب با نیازهای محلی و آموزش معلمان پیشنهاد شده است.
۷	عبداللهی نازلو، نسرین و همکاران	۱۴۰۳	بررسی اهمیت آموزش چند فرهنگی در برنامه درسی	توجه به تنوع فرهنگی، عدالت آموزشی و احترام به ارزش ها در برنامه درسی، ارتقای همزیستی و تفکر فرهنگی را ممکن می سازد.
۸	آریاوند، امیر	۱۴۰۳	بررسی اهمیت آموزش چند فرهنگی در برنامه درسی	تاکید بر فرهنگ بومی، احترام به تفاوت ها و آشنایی دانش آموز با فرهنگ های دیگر موجب ایجاد پایه محکم ملی گرایانه با شناخت می شود.

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	نتیجه پژوهش
۹	صائبی، سمیه و همکاران	۱۴۰۳	طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی علوم اجتماعی چند فرهنگی دوره دوم متوسطه	الگو شامل ۱۰ عنصر کلیدی است و بیشترین تاثیر بر آموزش چندفرهنگی مربوط به شیوه های آموزشی و کمترین به فعالیت ها است؛ مدل دارای اعتبار لازم است.
۱۰	دور فرد و همکاران	۱۴۰۰	شناسایی عوامل برنامه درسی چند فرهنگی دوره متوسطه دوم آموزش و پرورش ایران	برنامه درسی چندفرهنگی وابسته به مولفه های مبانی، فعالیت ها، اهداف، روش های ارزیابی و محتوی است؛ مدل مورد تایید روایی و فرضیات است.
۱۱	مظاهری فروشانی، الناز	۱۴۰۳	چالش های برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش و پرورش ایران	آموزش چندفرهنگی با توجه به فرهنگ بومی و آشنایی با فرهنگ های دیگر باعث ایجاد شناخت و تعامل مثبت و پایه محکم ملی گرایانه می شود.
۱۲	شب خیزمطلق بناب، سجاد و همکاران	۱۴۰۲	ضرورت تدوین برنامه ریزی درسی چند فرهنگی در جوامع	تدوین برنامه درسی چندفرهنگی برای پاسخگویی به تفاوت های فرهنگی و جلوگیری از شکاف ها و بحران های اجتماعی ضروری است.
۱۳	غفوری، پوریا و همکاران	۱۴۰۲	مروری بر برنامه درسی چند فرهنگی و برنامه ریزی آموزشی	ادراک معلمان از برنامه درسی چندفرهنگی نقش مهمی در انتقال ارزش های فرهنگی به دانش آموزان دارد.
۱۴	رحمانی، عذرا و همکاران	۱۳۹۵	اعتبار سنجی مولفه های آموزش چند فرهنگی برای طرح در برنامه درسی دوره ابتدایی	مولفه های موثر شامل محتوای ترکیبی، خلق دانش، کاهش تعصب، عدالت آموزشی، تقویت فرهنگ مدارس و حقوق اقلیت ها هستند؛ محتوای ترکیبی اهمیت بالاتری دارد.
۱۵	پیشگو، عبدالحسین و همکاران	۱۴۰۱	برنامه درسی چند فرهنگی برای دوره آموزش ابتدایی ایران	مدل پارادایمی آموزش چندفرهنگی کشف شد؛ در اسناد بالادستی مولفه ها تا حدی لحاظ شده اما در کتاب های درسی به شکل کامل محقق نشده اند.
۱۶	وریا نوروزی و همکاران	۱۴۰۲	سنتز پژوهی شناسایی مولفه های برنامه درسی چند فرهنگی	چهار مولفه اصلی انسان محور، اقلیت محور، آموزش محور و کثرت گرا شناسایی شد؛ برنامه های درسی از یک جانبه نگری فرهنگی جلوگیری می کند.

ردیف	نویسندگان	سال انتشار	عنوان پژوهش	نتیجه پژوهش
۱۷	احمد ملکی پور و رضوان حکیم زاده	۱۳۹۵	تبیین برنامه درسی چند فرهنگی با تاکید بر شناسایی مولفه های هویت بین المللی، ملی و بومی	ساختار برنامه درسی چند فرهنگی شامل سه لایه هویتی است: بین المللی، ملی و بومی که هویت بومی در هسته مرکزی قرار دارد.

جدول ۲. فرایند کدگذاری سه مرحله ای و ارتباط آن با پژوهش های مرور شده

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	پژوهش های مرتبط
فرهنگ بومی، شناخت اقوام، حذف سکوت فرهنگی، احترام به تفاوت ها	بازنمایی و به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی	هویت سازی چند لایه و انسجام ملی آگاهانه	حقی فرهنگی (۱۴۰۴)؛ آریاوند (۱۴۰۳)؛ مظاهری فروشانی (۱۴۰۳)
هویت ملی، عناصر مشترک دینی-فرهنگی، ملی گرایی مبتنی بر شناخت	انسجام ملی مبتنی بر تنوع		حقی فرهنگی (۱۴۰۴)؛ مجیدی (۱۴۰۴)
هویت بین المللی، آشنایی با فرهنگ های دیگر، نگاه جهانی	هویت چند سطحی (بومی-ملی-بین المللی)		احمد ملکی پور و حکیم زاده (۱۳۹۵)؛ کیهان و کیان (۱۴۰۲)
عدالت آموزشی، حقوق اقلیت ها، کاهش تعصب، مقابله با تبعیض	عدالت فرهنگی در آموزش	عدالت فرهنگی و پرورش شایستگی های شهروندی	رحمانی و همکاران (۱۳۹۵)؛ عبداللهی نازلو و همکاران (۱۴۰۳)
مدارا، همزیستی مسالمت آمیز، پذیرش تفاوت ها	همزیستی و مدارای اجتماعی		مجیدی (۱۴۰۴)؛ عبداللهی نازلو و همکاران (۱۴۰۳)
عزت نفس، تفکر انتقادی، رشد اجتماعی-شناختی	پیامدهای رشدی و شناختی آموزش چند فرهنگی		ارشدی و همکاران (۱۴۰۴)
اهداف برنامه درسی، محتوا، ارزشیابی، فعالیت های یادگیری	عناصر ساختاری برنامه درسی		عباسی (۱۴۰۴)؛ دورفرد و همکاران (۱۴۰۳)

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی	پژوهش های مرتبط
محتوای ترکیبی، خلق دانش، پرهیز از تک فرهنگی	رویکرد کثرت گرا و انسان محور	بازطراحی برنامه درسی بر مبنای کثرت گرایی فرهنگی	رحمانی و همکاران (۱۳۹۵)؛ وریا نوروزی و همکاران (۱۴۰۲)
روش های تدریس چند فرهنگی، شیوه های آموزشی فعال	راهنماهای آموزشی چند فرهنگی		صائبی و همکاران (۱۴۰۳)
آموزش معلمان، شایستگی حرفه ای، ادراک معلمان	توانمندسازی و نقش محوری معلم		غفوری و همکاران (۱۴۰۲)؛ زاده بنهنگی و سمیعی (۱۴۰۴)
تعامل خانواده-مدرسه، مشارکت جامعه محلی	هم افزایی نهادی آموزش		کیهان و کیان (۱۴۰۲)؛ مجیدی (۱۴۰۴)
سیاست گذاری آموزشی، اسناد بالادستی، حمایت دولت و رسانه	پشتیبانی سیاستی و نهادی	حکمرانی آموزشی و ظرفیت سازی اجرایی	شب خیز مطلق بناب و همکاران (۱۴۰۲)؛ پیشگو و همکاران (۱۴۰۲)
تمرکززدایی، نیازهای محلی، شرایط روستایی، کمبود منابع	اقتضات زمینه ای اجرا		زاده بنهنگی و سمیعی (۱۴۰۴)

چهار کد گزینشی نهایی (جدول ۲) هر یک یک منطق تبیینی مستقل اما به هم پیوسته از برنامه درسی چند فرهنگی ارائه می دهند که از سطح هویت تا اجرا و پیامدهای آموزشی را پوشش می دهد.

۱) هویت سازی چند لایه و انسجام ملی آگاهانه

این کد نشان می دهد که برنامه درسی چند فرهنگی در ادبیات پژوهشی ایران نه در تقابل با هویت ملی، بلکه در قالب یک ساختار لایه ای (بومی-ملی-بین المللی) فهم می شود. فرض ضمنی این رویکرد آن است که به رسمیت شناختن فرهنگ های محلی و حذف «سکوت فرهنگی» موجب تضعیف انسجام ملی نمی شود، بلکه از طریق شناخت متقابل و برجسته سازی عناصر مشترک فرهنگی و دینی، نوعی ملی گرایی بازاندیشانه و آگاهانه را تقویت می کند. از منظر نظری، این تفسیر با رویکردهای هویت ترکیبی و چند سطحی هم راستاست. اعتماد بالا اما ضعف تجربی آن در کمبود مطالعاتی است که تعارض های هویتی بالقوه را به طور انتقادی بررسی کرده باشند.

۲) عدالت فرهنگی و پرورش شایستگی های شهروندی.

این کد گزینشی برنامه درسی چند فرهنگی را به مثابه ابزاری برای کاهش تبعیض ساختاری، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت ها و ارتقای پیامدهای رشدی-شناختی دانش آموزان تفسیر می کند. منطق استدلال این است که مواجهه نظام مند با تنوع فرهنگی، از طریق تقویت مدارا، همزیستی مسالمت آمیز و تفکر انتقادی، به شکل گیری شایستگی های شهروندی منجر می شود. این تبیین با

چارچوب های عدالت اجتماعی در برنامه درسی و آموزش انتقادی هم پوشانی دارد. اعتماد متوسط تا بالا، هر چند شواهد موجود عمدتاً مقطعی اند و رابطه علی بلندمدت میان آموزش چندفرهنگی و شهروندی فعال هنوز به صورت تجربی تثبیت نشده است.

۳) بازطراحی برنامه درسی بر مبنای کثرت گرایی فرهنگی.

این کد بیانگر آن است که چندفرهنگی شدن برنامه درسی صرفاً در سطح محتوا قابل تحقق نیست، بلکه مستلزم بازنگری هم زمان اهداف، روش های تدریس، فعالیت های یادگیری و ارزشیابی است. فرض پنهان در اینجا آن است که ساختارهای سنتی و تک فرهنگی برنامه درسی ظرفیت پاسخ گویی به تنوع فرهنگی را ندارند و باید با رویکردهای انسان محور، محتوای ترکیبی و روش های تدریس مشارکتی جایگزین شوند. این تفسیر از نظر نظری قوی و همسو با ادبیات بین المللی است. اعتماد بالا اما در سطح اجرا با چالش هایی مانند محدودیت منابع و فشارهای برنامه درسی رسمی مواجه می شود.

۴) حکمرانی آموزشی و ظرفیت سازی اجرایی.

این کد گزینشی نشان می دهد که موفقیت برنامه درسی چندفرهنگی بیش از هر چیز به کیفیت حکمرانی آموزشی وابسته است؛ از توانمندسازی معلمان و ادراک آنان گرفته تا سیاست گذاری، تمرکززدایی و توجه به اقتضات زمینه ای مانند مدارس روستایی. تبیینی این کد آن است که حتی طراحی های نظری پیشرفته بدون زیرساخت نهادی، حمایت سیاستی و سرمایه حرفه ای معلمان به اجرا در نمی آیند. از منظر نظری، این کد حلقه اتصال میان ایده و عمل است. اعتماد بالا اما پژوهش ها کمتر به سازوکارهای دقیق انتقال سیاست به عمل پرداخته اند که یک خلأ پژوهشی مهم محسوب می شود.

بحث و نتیجه گیری

در نظام آموزشی ایران، برنامه های درسی چندفرهنگی به عنوان ابزار کلیدی برای پاسخگویی به تنوع فرهنگی دانش آموزان اهمیت ویژه ای دارند. این برنامه ها با هدف تقویت هویت فرهنگی، توسعه مهارت های میان فرهنگی و افزایش تاب آوری اجتماعی طراحی می شوند و در عین حال، فرصت تعامل سازنده میان دانش آموزان با پیشینه های مختلف را فراهم می آورند (کیهان و کیان، ۱۴۰۲). یافته های مرور نظام مند نشان می دهد که آموزش چندفرهنگی در ایران به صورت چندلایه و یکپارچه با هویت بومی، ملی و بین المللی فهم شده است و تلاش می کند تعادل میان احترام به تفاوت ها و انسجام ملی را برقرار کند (حقی فرهنگی، ۱۴۰۴؛ آریاوند، ۱۴۰۳؛ مظاهری فروشانی، ۱۴۰۳). این رویکرد برخلاف نگرش های سنتی که هویت ملی را با تنوع فرهنگی در تضاد می دیدند، نشان می دهد که به رسمیت شناختن فرهنگ های محلی و حذف سکوت فرهنگی نه تنها انسجام ملی را تضعیف نمی کند، بلکه ملی گرایی آگاهانه و بازاندیشانه را تقویت می کند. در این راستا، آموزش چندفرهنگی به دانش آموزان امکان می دهد هم هویت فرهنگی خود را حفظ کنند و هم مهارت های تعامل سازنده با تفاوت ها را توسعه دهند.

یکی از یافته های برجسته مرور پژوهش ها، اهمیت عدالت فرهنگی و پرورش شایستگی های شهروندی است. برنامه های چندفرهنگی نه تنها به کاهش تبعیض و ارتقای حقوق اقلیت ها کمک می کنند، بلکه با تقویت مدارا، همزیستی مسالمت آمیز و تفکر انتقادی، شایستگی های شهروندی دانش آموزان را پرورش می دهند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عبداللهی نازلو و همکاران، ۱۴۰۳). این تبیین با چارچوب های عدالت اجتماعی و آموزش انتقادی هم راستاست و نشان می دهد که مواجهه نظام مند با تنوع فرهنگی می تواند

دانش آموزان را برای زندگی فعال و مشارکت اجتماعی آماده کند. با این حال، شواهد موجود عمدتاً مقطعی هستند و رابطه علی بلندمدت میان آموزش چندفرهنگی و شکل گیری شهروندی فعال هنوز نیازمند پژوهش های تجربی طولی و مقایسه ای است.

بازطراحی برنامه درسی بر مبنای کثرت گرایی فرهنگی از دیگر محورهای مهم است. نتایج نشان می دهد که چندفرهنگی شدن برنامه درسی تنها به تغییر محتوا محدود نمی شود، بلکه مستلزم بازنگری همزمان اهداف، روش های تدریس، فعالیت های یادگیری و ارزشیابی است (عباسی، ۱۴۰۴؛ دورفرد و همکاران، ۱۴۰۰). برنامه های سنتی تک فرهنگی ظرفیت کافی برای پاسخگویی به نیازهای دانش آموزان متنوع را ندارند و جایگزینی آن ها با رویکردهای انسان محور، محتوای ترکیبی و روش های تدریس مشارکتی ضروری است. مطالعات داخلی همچنین نشان می دهد که طراحی انعطاف پذیر برنامه درسی، ترکیب محتوای بومی و آشنایی با فرهنگ های دیگر، و توجه به فعالیت های عملی میان فرهنگی می تواند اثرگذاری آموزش را افزایش دهد (وریا نوروزی و همکاران، ۱۴۰۲؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵). با این حال، در سطح اجرا محدودیت هایی مانند کمبود منابع، فشارهای برنامه درسی رسمی و مهارت ناکافی معلمان، مانع تحقق کامل اهداف برنامه های چندفرهنگی می شود.

حکمرانی آموزشی و ظرفیت سازی اجرایی نیز نقش حیاتی در موفقیت برنامه های چندفرهنگی دارد. پژوهش ها نشان می دهند که حتی پیشرفته ترین طراحی های نظری بدون توانمندسازی معلمان، ادراک صحیح آن ها از اهداف برنامه، سیاست گذاری حمایتی و توجه به اقتضائات زمینه ای مدارس، به ویژه مدارس روستایی و چندپایه، امکان تحقق عملی ندارند (غفوری و همکاران، ۱۴۰۲؛ زاده بنهنگی و سمیعی، ۱۴۰۴). مشارکت جامعه محلی، تعامل مدرسه و خانواده، و حمایت سیاستی از طریق اسناد بالادستی و تمرکززدایی، حلقه های اتصال میان ایده و عمل را فراهم می آورند. این یافته ها نشان می دهند که موفقیت برنامه های چندفرهنگی بیش از هر چیز به کیفیت حکمرانی و ظرفیت اجرایی نظام آموزشی وابسته است.

با وجود این دستاوردها، محدودیت هایی در مرور نظام مند وجود دارد که تفسیر نتایج را محدود می کند. بسیاری از مطالعات مورد بررسی طراحی توصیفی یا کیفی داشته و شواهد کمی برای اثبات روابط علی میان مؤلفه های برنامه درسی و نتایج یادگیری یا رفتارهای اجتماعی ارائه نکرده اند. تمرکز پژوهش ها عمدتاً بر مدارس شهری بوده و داده های کافی درباره مدارس روستایی، چندپایه یا مناطق محروم وجود ندارد. همچنین، بسیاری از پژوهش ها ارزیابی کوتاه مدت انجام داده اند و اثرات بلندمدت آموزش چندفرهنگی بر رفتار دانش آموزان، مهارت های شهروندی و انسجام اجتماعی هنوز مشخص نیست. فقدان مقایسه با تجارب بین المللی نیز یکی دیگر از محدودیت هاست که می تواند چشم انداز روش ها و سیاست های موفق جهانی را روشن کند و درس آموخته های ارزشمندی برای سیاست گذاری داخلی ارائه دهد.

با توجه به محدودیت ها، پیشنهادهایی برای پژوهش های آینده و سیاست گذاری ارائه می شود. انجام پژوهش های تجربی و طولی در مدارس با تنوع فرهنگی متفاوت می تواند تأثیر بلندمدت برنامه های چندفرهنگی را بر یادگیری، رفتار اجتماعی و شایستگی های شهروندی مشخص کند. مطالعات مقایسه ای بین المللی نیز می تواند تجربه ایران را با تجارب موفق جهانی سنجیده و استراتژی های مؤثر برای بومی سازی شناسایی نماید. آموزش معلمان و مدیران با تمرکز بر تعاملات میان فرهنگی، عدالت آموزشی و مهارت های حرفه ای، ظرفیت آموزشی مدارس را افزایش می دهد و موجب اجرای مؤثر برنامه ها می شود. توسعه ابزارهای آموزشی منعطف، محتوای ترکیبی و فعالیت های عملی میان فرهنگی نیز می تواند اثرگذاری آموزش را بهبود بخشد.

کاربردهای سیاستی این نتایج به شکل ملموس قابل مشاهده است. سیاست گذاران می توانند با بازطراحی برنامه های درسی به صورت یکپارچه، اهداف هویتی، عدالت محور و شهروندی را در تمام سطوح آموزشی لحاظ کنند. ارائه منابع، آموزش معلمان و ابزارهای ارزیابی، تضمین اجرای موفق برنامه ها را فراهم می آورد. تمرکززدایی از تصمیم گیری ها و مشارکت جامعه محلی نیز امکان تطبیق

برنامه‌ها با نیازهای فرهنگی هر منطقه را می‌دهد. ایجاد سیستم‌های پایش و ارزیابی مستمر که شاخص‌هایی مانند عدالت آموزشی، همزیستی فرهنگی و مهارت‌های میان فرهنگی را اندازه‌گیری کنند، امکان اصلاح برنامه‌ها در زمان واقعی را فراهم می‌آورد. این سیاست‌ها تضمین می‌کنند که آموزش چندفرهنگی تنها در سطح نظری باقی نماند و بهبود ملموس در رفتار دانش‌آموزان و تعاملات مدرسه-جامعه ایجاد شود.

با توجه به نتایج مرور نظام‌مند، برنامه‌های درسی چندفرهنگی می‌توانند چارچوبی جامع برای توسعه هویت چندلایه، عدالت فرهنگی، بازطراحی محتوا و حکمرانی آموزشی فراهم آورند و مسیر روشنی برای پژوهشگران، مدیران آموزشی و سیاست‌گذاران ارائه کنند. این برنامه‌ها با پرورش هویت بومی، ملی و بین‌المللی، توسعه مهارت‌های شهروندی و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، می‌توانند اثرات مثبت بلندمدت بر انسجام اجتماعی، همزیستی مسالمت‌آمیز و شایستگی‌های شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشند. در نهایت، مرور نظام‌مند نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی دقیق، حکمرانی توانمند و توجه به بسترهای فرهنگی و اجتماعی، پیش‌شرط تحقق اهداف آموزش چندفرهنگی است و سیاست‌گذاری هدفمند می‌تواند زمینه‌ساز تحول واقعی در نظام آموزشی ایران باشد.

فهرست منابع

- (۱) احمد ملکی‌پور و رضوان حکیم‌زاده. (۱۳۹۵). تبیین برنامه درسی چند فرهنگی با تاکید بر شناسایی مولفه‌های هویت بین‌المللی، ملی و بومی برنامه درسی. پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، دوره ۱، ۴۱-۵۵.
- (۲) ارشدی، نگار، همتی، شیوا، کریم‌زاده محمدآبادی، احمدرضا، حاجیان حسین‌آبادی، زینب و کاظمی، علی‌اکبر. (۱۴۰۴). تحلیل آماری نقش سیاست‌های برنامه درسی چند فرهنگی در رشد عزت نفس و تفکر انتقادی فراگیران دوره دوم ابتدایی. <https://civilica.com/doc/2401103>
- (۳) اسماعیل مصطفی‌زاده، نرگس کشتی‌آرا و آذرقلی‌زاده، آذر. (۱۳۹۸). ضرورت‌های آموزش چندفرهنگی و واکاوی عناصر و مولفه‌های تعلیم و تربیت چندفرهنگی. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۶(۶۰)، ۲۰-۳۵.
- (۴) امینی، محمد. (۱۳۹۱). تبیین برنامه درسی چند فرهنگی و چگونگی اجرای آن در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۷(۲۶)، ۱۱-۳۲.
- (۵) آذرخش، منوچهر، معروفی، یحیی و صادقی، علیرضا. (۱۴۰۱). بررسی مولفه‌های برنامه درسی چند فرهنگی از نظر متخصصین این حوزه در ایران. نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۸)، ۸۴-۱۰۹.
- (۶) آریاوند، امیر. (۱۴۰۳). بررسی اهمیت آموزش چند فرهنگی در برنامه درسی. در هفدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. <https://civilica.com/doc/2142005>
- (۷) پیشگو، عبدالحسین، اوجاقی، آمنه و عزیزی، فریده. (۱۴۰۱). برنامه درسی چند فرهنگی برای دوره آموزش ابتدایی ایران. <https://civilica.com/doc/1871379>
- (۸) حقی فرهنگی، سیده اعظم. (۱۴۰۴). روایت تحقق برنامه‌ی درسی چند فرهنگی در شهر اصفهان. در اولین همایش بین‌المللی و جشنواره کشوری اقدام پژوهی، درس پژوهی و روایت پژوهی، مسجد سلیمان. <https://civilica.com/doc/2455988>
- (۹) دورفرد، سیدمحمد، اعتماداھری، علاءالدین و مکی آل‌آقا، بدیع‌الزمان. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل برنامه درسی چند فرهنگی دوره متوسطه دوم آموزش و پرورش ایران <https://civilica.com/doc/1909852>

- ۱۰) دورفرد، سیدمحمد، اعتماداھری، علاءالدین و مکی آل آقا، بدیع الزمان. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل برنامه درسی چند فرهنگی دوره متوسطه دوم آموزش و پرورش ایران. <https://civilica.com/doc/2071883>.
- ۱۱) راهسار، محمد و نصیری، سارا. (۱۴۰۱). ادراک معلمان از چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی. انگاره های نو در تحقیقات آموزشی، ۱۱(۱)، ۳۷-۵۱.
- ۱۲) رحمانی، عذرا، فقیهی، علیرضا، حسینی مهر، علی و سرمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). اعتبارسنجی مولفه های آموزش چند فرهنگی برای طرح در برنامه درسی دوره ابتدایی. <https://civilica.com/doc/1913894>.
- ۱۳) زاده بنهنگی، محمدعلی و سمیعی، علی. (۱۴۰۴). بررسی چالش های برنامه درسی در مدارس روستایی چندپایه و چند فرهنگی. در هفتمین کنفرانس بین المللی و دهمین همایش ملی مدیریت، روان شناسی و علوم رفتاری، تهران. <https://civilica.com/doc/2286307>.
- ۱۴) شبخیزمطلق بناب، سجاد، حجتی، سیدعبدالله و اسدی دانشوریان، مهدیه. (۱۴۰۲). ضرورت تدوین برنامه ریزی درسی چند فرهنگی در جوامع. در هشتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/1985490>.
- ۱۵) صادقی، علیرضا. (۱۳۹۱). ویژگی ها و ضرورت های تدوین برنامه درسی چند فرهنگی در ایران: بررسی چالش ها و راهبردها. نشریه راهبرد فرهنگ، ۵(۱۷)، ۹۳.
- ۱۶) صائبی، سمیه، عصاره، علیرضا، کشتی آرای، نرگس و صادقی، علیرضا. (۱۴۰۳). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی علوم اجتماعی چند فرهنگی دوره دوم متوسطه. در ششمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم، میناب. <https://civilica.com/doc/2081068>.
- ۱۷) عباسی، حجت اله. (۱۴۰۴). ویژگی های برنامه درسی چند فرهنگی در دوره متوسطه. در ششمین همایش بین المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، همدان. <https://civilica.com/doc/2401701>.
- ۱۸) عبداللہی نازلو، نسرین، کرد، پروین، ابراهیم زاده زده لو، مریم و تیباش، زهرا. (۱۴۰۳). بررسی اهمیت آموزش چند فرهنگی در برنامه درسی. در نخستین همایش ملی رهیافت های نوین برنامه درسی ملی در زیست بوم جدید، ارومیه. <https://civilica.com/doc/2187706>.
- ۱۹) غفوری، پوریا، سپهرنیا، ساسان و بذرافشان، عیسی. (۱۴۰۲). مروری بر برنامه درسی چند فرهنگی و برنامه ریزی آموزشی. در دومین کنفرانس ملی تازه های روانشناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس. <https://civilica.com/doc/1945576>.
- ۲۰) کیهان، جواد و کیان، دریا. (۱۴۰۲). طراحی الگوی برنامه درسی چند فرهنگی دوره متوسطه مبتنی بر نظریه بوم شناختی برونفن برنر. <https://civilica.com/doc/2410136>.
- ۲۱) لواسانی، معصومه شهاب، صباغیان، زهرا و احمدیگی، فاطمه. (۱۳۹۹). مطالعه کمی ادراک دانش آموزان دوره دوم متوسطه از مؤلفه های چند فرهنگی در برنامه درسی. علوم روانشناختی، دوره ۱۹ (پاییز)، ۹۰۵-۹۱۶.
- ۲۲) مجیدی، بهناز. (۱۴۰۴). بررسی اهداف برنامه درسی چند فرهنگی. در پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران. <https://civilica.com/doc/2331088>.
- ۲۳) مظاهری فروشانی، الناز. (۱۴۰۳). چالش های برنامه درسی چند فرهنگی در آموزش و پرورش ایران با تاکید بر روشن سازی مفاهیم مرتبط. در دومین همایش بین المللی جامعه شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، بوشهر. <https://civilica.com/doc/2019226>.
- ۲۴) مومنی، محمد، اکبرزاده، مهدی، زیدی، احمد، خدایاری، محمدجواد و قیاسی، علیرضا. (۱۴۰۲). برنامه ریزی درسی برای یادگیری چند فرهنگی در بین دانش آموزان. مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات، ۵(۵۴)، ۸۶-۹۲.



هجدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - اسفند ۱۴۰۴ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

17 March 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

(۲۵) نوروزی، وریا، ادیب، یوسف، یاری، جهانگیر، حاج عطالو رحیم و بدری گرگری. (۱۴۰۲). سنتز پژوهی شناسایی مولفه های برنامه درسی چند فرهنگی. جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۴(۱)، ۱۲۷-۱۶۲.